

# توحید در جهان آفرینش

## سؤال :

یکی از خوانندگان گرامی سؤال میکند: خداوند بزرگ در سوره «انبیاء» آیه ۲۲ میفرماید: «لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا» اگر در زمین و آسمان نیاز جز «خداوند یگانه» آفریدگاری بود؛ نظم آنها بهم می خورد! اکنون بیان بفرمائید چگونه تعدد آفریدگاری، موجب فساد در جهان خلقت؛ و پدید آرنده اختلال در دستگاه آفرینش میگردد، چه مانعی دارد دو آفریننده باهم در ساختمان جهان هستی تشریک مساعی کرده و متفقاً اقدام کنند؟!!

## پاسخ:

هدف و مفاد آیه را با دو بیان می توان توضیح داد: روشن نمود؛ یکی از آن دو بیان علمی، و دیگری فلسفی است اینک هر دو را در این جا به طور فشرده منعکس می نمائیم:

۱ - از معالمة يك كتاب به خوبی می توان فهمید که آن نوشته يك نفر است یا چند نفر، در کتابی که يك نفر نوشته است يك نوع هم آهنگی مخصوصی در میان عبارات و جمله بندیها، تغییرات مختلف کنایات و اشارات، عناوین و تبتیرها طرز ورود و خروج مندرجات و خلاصه در تمام قسمتها، يك نوع

وحدت، هماهنگی بچشم می خورد، چرا؟ زیرا همگی زائیده يك فكر، و تراوش يك قلم است در صورتی که يك چنین هماهنگی در کتابی که دو نفر نوشته باشد؛ وجود نخواهد داشت؛ هر چه هم، هم فکر، هم سلیقه باشند، باز؛ آثار اختلاف در بسیاری از قسمتها که اشاره نمودیم بچشم خواهد خورد

جهان آفرینش که خود بزرگترین کتاب تکوین است تمام افراد بشر قادر به شمردن صفحات آن نیستند تا آنجا که بشر قادر به خواندن آن شده است در تمام صفحات و سطور آن، يك نوع نظم معین و پیوستگی خاص و هماهنگی غیر قابل توصیفی مشاهده نموده است

و این مطلبی است که جملگی بر آندند .

تمام دانشمندان جهان از ستاره شناس ؛ اتم شناس ، فیزیک دان ؛ شیمی دان ، و حیوان شناس و گیاه شناس ؛ اتصال و پیوستگی و هم آهنگی تمام اجزاء آن را با یکدیگر تصدیق کرده ؛ همگی می گویند : نظم واحد و تدبیر یگانه ای بر این جهان حکومت می کند ، و نظامی که بر منظومه شمسی ما حکومت می نماید ، بدون کم و زیاد یک اتم ، که اگر میلیونها از آن را رویهم بگذاریم نقطه ای را تشکیل مینهند ، نیز حکمفرما می باشد .

قوانین و نوامیسی که بر جهان حکومت میکند آن چنان عمومی و کلی است که از آزمایش کوچکی در گوشه ای از این جهان می توان یک قانون کلی و عمومی که بر سراسر جهان آفرینش حکومت میکند . از آن به دست آورد .

قانون جاذبه و دافعه بر سراسر جهان حکومت می نماید ، و هیچ موجودی از این قانون مستثنی نیست .

تمام گیاهان و جانداران تحت قانون تلقیح ، تولید مثل می نمایند شباهت در خلقت حیوانات ؛ آن چنان زیاد است که گروهی را بر آن داشته است که تصور کنند که همگی ریشه واحدی دارند و همچنین ... خلاصه به هر سو بنگریم و از هر کسی سؤال کنیم همه این حقیقت را تا پید می کنند که : در سرتاسر جهان هستی ، آثار وحدت و یگانگی و نظام واحد ؛ به خوبی به چشم می خورد .

(۱) بحار الانوار ج ۳ ص ۲۰

(۲) برای توضیح بیشتر به کتاب «خدا را چگونه بشناسیم» مراجعه فرمائید .

هر گاه مبدأ آفرینش یکی نبود دورای و دو فکر بر جهان حکومت می کرد ، طبیعا وضع جهان آفرینش غیر از این بود ، از پیوستگی ، هماهنگی ، نظم و تدبیر یگانه ، خبری نبود ، و نتیجه یک چنین از هم گسیختگی همان فساد در دستگاه خلقت و نظام آفرینش است ؛

وقتی «هشام بن حکم» از امام صادق (ع) پرسید دلیل بر یگانگی خداوند چیست ؟ ! امام در پاسخ وی چنین فرمود :

«اتصال التدبیر و تمام الصنع ، كما

قال الله «لو كان فيهما الهة الا الله لفسدتا» (۱)

: بهم پیوستگی و دوام نظام هستی و تمامیت آفرینش ، دلیل بر یگانگی او است همان طور که خود او فرموده است : «اگر در سراسر زمین و آسمان جز خداوند یگانه ، آفریدگاری بود . نظم آنها بر هم می خورد» (۲)

\*\*\*

۲ - بیان دیگر ، بیان فلسفی است که در برخی از آیات قرآن به آن نیز اشاره شده است و آن اینکه : هر گاه بر زمین و آسمانها دو آفریننده حکومت نمایند ؛ این دو خداوند ، یا مماثل و همانند یکدیگر . یگرند ؛ یا با یکدیگر اختلاف و تباین کلی دارند . هر گاه مماثل و همانند یکدیگر باشند ؛ مانند دو انسان که بر اثر شباهت کامل وجهت اشتراکی که در میان هر دو وجود دارد مثل یکدیگر شمرده می شوند ، در این صورت باید در یک قسمت شبیه و همانند یکدیگر باشند ، اما در یک قسمت دیگر باید باهم اختلاف داشته باشند زیرا معنی ندارد که دو موجود از هر

جهت مانند یکدیگر باشند و هیچ گونه تفاوتی در بین آنان نباشد ، حتی دوبرادر دوقلو و همزاد ، که از نظر شکل و قیافه و رنگ و اندازه قامت و آهنگ صدا ... مانند یکدیگر باشند ، باز در جهاتی باهم و لااقل لحظه تولد و مکان و ماده سازنده بدون روح و ... باهم فرق خواهند داشت .

و نتیجه چنین فرض دو خداوندی ترکیب است ، ترکیب از جهت اشتراك و لودر اصل هستی و وجود ؛ و از جهت اختلاف ، که موجب تعدد و دوگانگی آنان می باشد و چون بر همین فلسفی ثابت کرده است که خداوند باید بسیط باشد در این صورت يك چنین فرض (دو خداوند مماثل و همانند یکدیگر) ، باطل خواهد بود .

از این جهت ناچاریم بحث را روی دو خدای متباین در تمام هستی متمرکز کنیم ، دو خدائی که هیچ نوع جهت وحدت و اشتراکی در میان آنان نباشد و از نظر ذات و هستی ، کاملاً با یکدیگر مخالف و باین شمرده شوند .

ناگفته پیداست آثار و افعال دو موجود مابین باید مانند ذات خود آنها ، مابین و مخالف شود ، زیرا تصور ندارد که دو موجود متباین که کوچکترین نقطه اشتراك و وحدتی در میان آنها موجود نباشد در عین حال از نظر فعل و اثریکسان و يك نواخت گردند .

هر گاه يك چنین دو خداوند ؛ بر عالم آفرینش حکومت کنند ، تدبیر هر کدام مابین و مخالف دیگری خواهد بود ؛ و نتیجه حکومت دو تدبیر مختلف بر زمین و آسمانها ؛ بهم خوردن نظم و ازم گسستن روابط و بروز اختلاف در دستگاه آفرینش ، و از بین

رفتن هم آهنگی ، از نظر اداره خواهد بود . در صورتی که مادر جهان خلقت ، خلاف آن را مشاهده می کنیم زیرا می بینیم اگر جاندار آفریده است ، تمام جهان را آن چنان با او هم آهنگ ساخته ؛ و هستی نور با هستی دیگران آن چنان پیوند داده ، تو گوئی که همه جهان هستی برای خدمت و کمک به آن آفریده شده است ، و این نوع همانگی ، حاکی از آن است که اراده واحدی بر جهان حکومت می کند . به این طرز استدلال در سوره مؤمنون آیة ۹۱ نیز اشاره شده است .

\*\*\*

بنابر این هم استدلالات فلسفی و هم مطالعات علمی این حقیقت را ثابت می کند که بر سراسر پهنه هستی يك اراده ، يك مشیت ، و يك ذات پاك حکومت می کند .

موزامبیک این سرزمین که اکثریت ساکنان آن را مسلمانان تشکیل می دهند در آغاز قرن شانزدهم به تصرف و سپس تحت استعمار پرتغال درآمد .

در سال ۱۵۰۸ پرتغالیان استعمارگر ، موفق شدند نیروهای خود را در جزیره موزامبیک که در شمال این سرزمین قرار دارد متمرکز کنند .

آن کوششها ( در واقع ) سر آغاز چهار قرن تلاش مداوم پرتغالیها برای مسلط شدن بر مسلمانان موزامبیک و محو اسلام بود و این تلاش هنوز پایان نیافته است .

در سال ۱۹۶۰ گروههای مختلف اسلامی و سایر احزاب ناسیونالیستی در این کشور به لزوم اتحاد برای اقدام مؤثر بر ضد استعمار پرتغال پی بردند و نهضت اتحاد ملی افریقائی موزامبیک (Manus)

را تشکیل دادند، رهبر این نهضت و کیریستی دیوانی، بود که هنوز در زندان بسر می برد.

مواجه شدن با حمله های پی در پی دشمن موجب شروع انقلاب مسلحانه خلق موزامبیک را فراهم آورد و از ۲۸ اگوست ۱۹۶۴ کادرهای سیاسی و نظامی به رهبری «عبدالر حمان اسان» به حملاتی بر ضد نیروهای پرتغال در مناطق مختلف موزامبیک مبادرت ورزیدند.

نیروهای پرتغال برای درهم شکستن فعالیتهای ضد استعماری مبارزان، به حملات انتقام جویانه ای که با قتل عام و ترور همراه بود دست زدند و سرانجام بیش از پنجاه هزار موزامبیک می مجبور شدند که از سرزمین نیاکان خود بگریزند و به آفریقای شمالی، و مالای، مهاجرت کنند.

موزامبیک ۳۰۲۳۲۷ مایل مربع وسعت دارد و جمعیت آن ۸ میلیون نفر است و ۴۵ تا ۵۰ درصد این

جمعیت را مسلمانان تشکیل می دهند ۵ تا ۱۰ درصد مسیحی و بقیه آنیمست (Animist) می باشند.

بر خلاف کوششهای پرتغال برای ایجاد تفرقه، همیشه يك روح اتحاد و تعاون در میان عناصر مسلمان و غیر مسلمان وجود داشته است

### پی ریزی مکتب ضد اسلامی :

با وجود این در طی ۸ تا ۱۰ سال گذشته بعضی از آفریقائیان خود باخته که بوسیله مسیونرهای مسیحی تعلیم یافته بودند و در بعضی موارد بورسهای تحصیلی در پرتغال دریافت کرده بودند کوششهایی برای ایجاد يك مکتب ضد اسلامی در موزامبیک بعمل آوردند.

از آنجا که روشن شده است که حکومت استعماری پرتغال آخرین روزهای خود را در موزامبیک می گذراند بنظر می رسد که آنها (اقلیت خود باخته) تصمیم گرفته اند تا در آینده نظم سیاسی (دلخواه خود را) جایگزین حکومت پرتغال نمایند.

## تخصیص لازم است

امیر مومنان علی (ع) فرمود: من اوما الی متفاوت خذلته الحیل

: کسی که دست بکارهای مختلف بزند بهنگام مشکلات در میماند (پس

چه بهتر که انسان بکوشد که در يك رشته یا چند رشته محدود متخصص و صاحب

نظر گردد). « از نهج البلاغه »